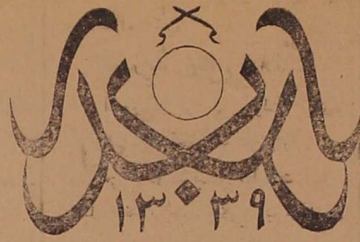


ومن لم يحكم بما انزل الله فلنا ولناك هم الظالمون



الدین والملك توأمان

(طهران)

چریده هفتگی

محل ااره ناصریه عنوان تکر فی (بدر)

تؤسس ومدیر مسئول (ح :ع سبک پدما)

سردبیر م جناب زاده مورفا هفتہ يك شماره منتشر میشود

نگ شماره ۶ شاهی

وجه اشتراك قبلا دریافت میشود

قیمت اشتراك داخله سالانه ۶۰ قران

شش ماهه ۳۵ قران

خارجه باضافه اجرت پست

قیمت اتصالات

صفحه اول دوم ۲ قران

صفحه سوم و چهارم ۱ قران

تخصیص اجرت اوابج خصوصی با دفتر اداره است

مسائل جاریه

جریات های سردوکرم

اگر قوانین دوره های تقابله الحری نشد یا بقیه بعضی قابل اجری نبود برای این است که طبق احتیاجات مملکتی بوده و شاید ترجمه سطحی قوانین بعضی از دول مختلف السبب به قرب زمین بوده و بلیه قضایات محلی مناسبت نداشته است

و محظوظانی در اجرای ان پیش می آید ازین نقطه نظر است که در وضع و تدوین ان کما در روح افکار عمومی دخالت داشته مقتضی است محافاتی که مامور تهیه اوابج قانونی هستند حتی المقدور رعایت شایب قانون و محیط حوائج و اصلاحات را در نظر بگیرند

مجلس و وزیر مالیه آقای وزیر مالیه به موجب ماده واحده پیش نهادی خود به مجلس یک قیمت اختیارانی تقاضا میفرمایند - مقبده ایشان لازم است قوانین مصوبه دارالشوری ملی [راجع به مالیه] موقوف الاجرا بمانند و عدله از دوازه مالیه منحل شده بچای ان دوازه جدیدی تالیس و در ان نظامنامه که پس از تجربه و آزمایش بصورت لایحه تقدیم نمایندگان خواهد شد در مدت سه ماه بمقام عمل در آورند

پیش نهاد میزور مورد شوق طین بعضی از آقایان نمایندگان واقع و چنین تغییر شده است که این تقاضا ممکن است تولید سابقه نموده و وزراء مسئول هر یک بپشتنهادی بهمین لحن بمجلس تقدیم نمایند بنا بر این قوه مقننه روح اصلی خود را فایده خواهد شد اما یکدرجه به آقایان حق می دهیم و انتقادات مطلق ایشان را تقدیس نمیکنیم از تذکار این مسئله هم نمینوانیم صرف نظر کنیم که اصلاح مالیه با قباله معمولی غیر ممکن و ممنوع خواهد بود و لازم است بطریقی که سابقه در دست ندهد و در صورت تغییر هم اختیارات برای جانشینانی که حسن اعتماد ملی را قانقدن باقی نمانند در صورت حل این معما یا قضا بپس به بنظریات و افکار دورین نمایندگان ملت است

برویدرام هیئت دولت از مطالبات دولت گذشت و در جریات شوروی در اطراف هر یک از مواد اساسی که هر یک در موقع خود مقدس و تقدیر است حالا هیئت دولت میروند در عملیات اوابج قانونی که میبایست بمجلس در خدمت شوق و البته موقع مناسب خاطر صالحه که نقطه نظرشان ترفی ممالک است نظریات خود را بوسیله و مطبوعات اشاعت دهند تا در تلو و قوانین مصوبه ملحوظ کرد

قانون که مقتضیات و حوائج مملکتی در لزوم انرا کاملا ایجاب و تصدیق همین مینماید ولی اساسا مظهر اراده ملت خواهد بود ملت بوسیله مثلا و میموتان خود وضع قانون و اوابج و مزایمات او را رفع و تنهه بنا بر این ملت باید احتیاجات و مقاصد بگوید تا بروق اعمال و مرام وی قانون کردش کند

ازین روی طبقات منور الفکر باید خدمت داری محافل و مجامع قانونی را فرایق ضروری که خود مطلع اند تذکر هر یک از ممالک شوروی وقتی که در حال با مرحله خطمی دستور دولت را بمرکز بیاورد بیاک شوق و شرف بوسبیه ان که زبان ملانند هستند هیئت مقننه احتیاجات خود یاد آور میشوند این است که هویت ملی و مبارز هم و آنها معین میگردند همه میگویند زیرا فکر توراتی است که در دماغها در جوش است و چون ملت در تقبیه دخالت داشته هنوز قانون نمایندگان نگذاشته است که زمینه سهولت اجرای ان فراهم می گشت قوه مجریه دچار محظوظات افکنده خسته نمیکرد بجرانهای متوالیه هیئت دولت فراهم نماید غالبا وزراء پیش از یکدوره یاد دوره

عهدنامه ایران و چین عهد نامه ایران و چین در تحت مطالعه و شور است ولی تعجب داریم و نمیدانیم از نقطه نظر این عهد نامه با فاکت منافع ان از سایر عهدنامه ها بیشتر افتاده است - قرار داد و معاهده ایران افغان - ایران و روسیه هم بچجلس خواهد آمد تا مام رسمیت را جائز کردند

اخبار داخله

رفع اعتصاب و شروع بکار آقایان محترم معلمان مدارس متوسطه و ابتدائی دولتی که در نتیجه زسیدن حقوق چندین ماهه خود بعات دست زنگی و پریشان حواسی مجبور بشتمبل شده بودند و از روز پنجشنبه ۱۸ شهر جاری مدت یک هفته در درس حاضر نشده در مسجد سه سالار مدرسه ناصری اجتماع داشتند در اینمدت تیرهای نهم افزا از هر سو بسوی این بدبختان که روح ترفی و انالی مملکت بسته بوجود حسن تربیت آنها است برناب میشد و ایشانهم برای آنکه به محیط ترات کنند که محرک مافظت استیصال بوده و پس و هیچ جریائی در هیئت اجتماعیه موثر نخواهد بود در تعقیب زسیدن ممالی از خزانه شروع بکار کردند و امید است هیئت محترم دولت هم در رسانیدن حقوق عقب افزاده آنها مساعدت فرموده تا با خیالی شادولی از قید غم ازادیه تربیت نوابگان وطن مشغول باشند

خبر مقدم آقای میرزا افلاطون خان فرزند ارباب کبخیرو که یکی از جوانان باهوش خوش استعداد هستند و تحصیلات مقدمهائی خود را در مدرسه امریکائی طهران با تمام رسانیده و برای تکمیل معلومات خود به اروپا رفته بودند مدتی هم در هندوستان و نقاط جنوبی اسباب باجحت و تجارت مشغول بوده بهترین تجربیات لازم را از مقایسه اروپا و اسباب بدست آورده اند بمرکز ورود فرمودند

غرض رانی از زنجان بما اطلاع میدهند آقای بهادر نظام که یکی از اشخاص صحیح العمل است بعات غرض رانی رئیس عدلیه او را حبس نموده اند البته مقامات مربوطه در این موضوع عطف توجهی خواهند فرمود

ادبایعربان محظرم ما می نویسد وضعمات اروپا به شاهزاده عبد الحمید میرزا مدیر کل

طرق و شوارع ایران که برای سر کشی براه طهران و فرودین به قوتور رفته بودند روز دو شامه ۱ عقرب به مرکز وارد رابورت تقبضات خود را به مقام وزارت تقدیم داشتند

ما سئوال میکنیم اساسا تا بس این اداره اوراق برای چه بوده ایامی بایست قبلا پیش بینی این پیش آمد ها را نموده باشند! اگر میبایست مردم مانند چند سال قبل در مذبقه و ننگی برای نان باشند بهتر است دولت تحمل مخارج سزاگینی این اداره را نکرده انرا منحل نمایند

از قرار معلوم یکی از صاحبان مطازه (برازی) شاگرد دکان بزاز دیگری را بسبب ارزان فروختن حبسی که او بمخواست بمشتری بقیمت گران بفرود شد تا سزا گفته و کک زبانی هم باو زده لباش را هم باره نموده است اتحادیه کارگران برخلاف این حمله تا مشروع ضارب را از مجاری قانونی تعقیب نموده اند

خیلی تعجب میکنم که هنوز اخلاق عهد جاهلیت در بعضی ها باقی است و تصور میکنیم برای جزئی دارائی و سرمایه میبایستت نعال ماشاء بوده و همه را عبد و غلام خود فروش کنیم خیر اینطور نیست و هر کس در حد خود مجرم است (بدر)

مظفر ما می نویسد وضعمات اروپا به

خیلی اسفناکنیز است شکاک ها و همراهان اسمعیل سمبتهو باغات و زراعت و محصولات را بچیران اروپا و با شرط کرده اند اسمعیل سمبتهو باقی داخل یک رشته تشکیلات گردیده و بیشتر از گردونه کان اوستی ها (گروس) هستند

در ساو جیلاخ بین قوای دولتی و سمبتهو زدو خورد مهمی واقع شده ولی از کیفیت ن هنوز اطلاع کاملی در دست نیست

رئیس معارف مراغه يك كلاس ر مدرسه امین افروده و اکتون مدرسه دارائی ۷ تالاس است وقایع نکار ما از اذر بابجان می نویسد (۱) مجبور السالمه در نهایت خون سردی حرکات اسمعیل آقای شکاک مجارستانی میکنند تا شون عده کثیری قزاق سر باز و صاحب منصب خدمتگذار قربانگاه رفته اند (۲) ملک زاده با یکسره سلطان قزاق و سر باز در اطراف اسمعیل آقا است (۳) حال روحیه مدافعین بمثل عدم توجه و غیره پز مرده است لازم است هیئت محترم دولت توجهی مخصوصا در این موقع که وضعات اینجود کتب و خامت نموده بفرمایند تا در اتمه دولت و ملت دچار تلفات و خسارات نکرده

مطلبی می نویسد اوضاع معارف بار فروش از کاپه قنای ماؤنران بهتر است رئیس معارف آقبا (اقای میرزا بدالله ادیب نویسگانی منخلص بیابلی) با عشق وطن پرستانه شخصاً بنعالم اشغال داوند جدیت معزی البته يك همچنان علمی و ادبی در کایه ساکنان این خطه انداخته و اسکر اولیای امور در نشویق ایشان بگویند تصور میرو معارف بار فروش نسبت بمرکز در درجه دوم واقع گردد ماشخصا آقای مایل رئیس محترم معارف بار فروش را می شناسیم درجاست علمی و مقام بلند ادبی معزی البته را مبدانیم البته لازم است اولیای معارف ایشان و اتمال ایشان را برای خدمت بوطن مقدس نشویق فرمایند (بدر)

قابل توجه

علل کثرت بیکاران

تقاضای های بیکاران بدربار مملکت برای کار بقدری رشته را دراز کرده که رئیس محترم دولت را وادار نموده در پروگرام خود اظهار و بوعده دوروزی در بی کاران را امیدوار می نمایند اولاً باید دامت تولید بی کاری از

جدا شده عده برانند که بواسطه پیش آمد های اروپا وسد طرق تجارت است در این صورت می بینم اشباع و ارزاق ایران پر بها تر از زمان قبل از جنگ گشته - به عقیده بعضی اولاد کسبه و تجار در مدارس تحصیل نموده داخل دوایر دولتی گردیده از این جهت بازار کسبه بی رونق ویرای دولت قافیه ننگ است اینهم چندان سبب نشده - طایفه برانند که ارامه و کاسبی ها که سابقه داخل دوایر دولتی نه بوده اند و حاله مرکز ولایات را اشغال نموده اند باعث گردیده تا بگذرجه این مسئله هم خالی از جنبه نیست زیرا بقدری ارامه از تقاضا و ادرا بیجان در مرکز جمع شده اند که هر چه داخل دوایر دولتی می شوند بقیه دارد

به عقیده بعضی اگر مواجبه دوانی را این درجه کراف باشخص نمی دانند و بطور مناسب و قناعت با افراد حقوق داده می شد اصراف و تبذیر دوایران را جلوگیری می کردند ممکن بود از این راه برای بی کارها تهیه کاری بشود این دلیل هم معتبر است به نظریات بعضی تدبیرات حکام مامورین دوایر در ولایات برعکس و مالک مردم را در طهران جمع و محتاج به دخول دوایر دولتی نموده این نکته نیز در جای خود خالی از اعتبار نیست زیرا که اگر کسی بخارج و به نقاط دور از طهران رفته می داند چه سهمها به مالک و زارع بیچاره شده و میشود

نمونه از آن در چند فرسخی طهران شاهد مدعای ما است که به روز کار سالار جنگ چه آوردند و بجه زحمت دچار ویغی دولت قدمه اند نمودند از این رو حال دور دستان از مرکز بقرینه معلوم میشود - بهر یک از دوایر دولتی مراجعه شود می بینیم هرگز مدیره آن از جهت غلبه پیشتر است که کجایش مضاف رأیبه را ندارد مخصوصاً بعضی از آنها غیر لازم و برای سبکاز محترمین ایجاد اسم شده و در ضمن دسته پندها و باطوق دارها راهم از خود راضی فرموده اند - پاره عقیده دارند که نمایندگان ملت از دولت مخصوصاً از وزارت مالیه بخواهند حساب پانزده ساله زمان مشروطه را بدهند و بقایای محل رد و قبول و صرف خرجهای و دوایر را از روی دقت مین نمایند بعضی از آنها که پر

در فوق فضای افکار جامعه ملت فعالیت نداشته باشد امور زندگانی اجتماعی و بلندی اصلاحات اوضاع داخلی نمی تواند محکم و مستقر شود مجازات خائن مرتکب را محدود نموده و بالدرجه نظام جریانات داخلی را تا مابین وطنه انگی برای مقصر بقی خواهد گذارد و بالعکس تشویق خادم موجد افراد غیور خدمتگذار بوده اصل افتخار راستکاران مصداق پیدا خواهد کرد

همان وضعه است که طبقات به حدود و حقوق خود قناعت نموده سیاست باقی شرای لجام کبخی تفریق تقاضا پروا گاند های مضر بحالت جامعه را ترک نموده و با نگاه نمایان فردی عمر وزید خوب یا بد را بدون جنبه تقوی و تدبیر نمی تواند بکنند اگر این شده نه کسی معاوی را ابراهیم ادهم خوانده و نه دگر کی عسک ان را میتواند تشو دهد بالنتیجه افکار از روی جریانات طبیعی و مجرای صحیح خود سیر نموده ملت بیچاره در میان این همه تنبذات بیجا و بازمجذبات بی معنی تکلیف خود را خواهد فهمید

مخصوصاً اگر برای ناشرین افکار که منادی حرب و راهبانی مانند مسؤلینی در کار بود نشریات مخالف را سببه فوق دیده نمی شد و اعراض خصوصی را در پرده دفاع از حقوق عمومی منظور نمی داشتند

اینک با ذکر این مقدمات خاطر ایندیز محترم و مطالعه کنندگان این جزیده را بموضوع مقصود جاب نموده عرض مینمایم شرحی مبنی بجهت باقایی شریف اندوله نکات و با سلفه ای مزی ایلا نقد نموده اند *

اکثریت واقعی ملت که نظر باشخصی نداشته و اعمال افراد را نگرانند بخوبی از خدمت سابقه این عنصر لایق خدمتگذار مسوق بوده و ممکن نیست به عقاید راسخه تزلزل بدهند ناشر مقاله باید بداند که از شریف الدوله استقاده منصور نیست

آقای محمد پرمائی سؤال نموده بودید که کثرت است و مسوولان دولت با انهمه سوابق تجدید خواهد شد یا خیر هنوز اطلاعی نداریم ولی البته در موقع تجدید کثرت بمجلس مقدس شورای ملی رجوع خواهد شد نمایندگان محترم ملت مقامات لازم را در عملیات گذشته مشار الیه بعمل خواهند آورد

امک برای یک استقاده اتی برای هوس رانی و تقدیم مقام خود را در حق من رواد است اوف بر نو ای انسان - نوظالم و خود پرستی - او محکوم به مجازات طبیعتی - مرا چندین ساعت در بین سر انداختن ظلم و جفا نگاه داشته و آخر الامر روی خاشاک زیر پای هر ناپاک انداخته کشتی حال پانگردد که این مردمان ظالم چگونه مرا در زیر قدمهای غدارانه خویش پایمال نموده می گذرند

توبت ای دختر مظلومت به حسن و جوانی خود در روزی بمشاید با آنکه جمعه موجودیت را تغییر و تبدیل است و روزی خواهد آمد که تو چون من از لطافت و ملاحظت محروم شد کوب خزان - حسن و جمال خواهی گردید تسلیم هوا و هوس مشو و بپیکر خود را بزبور های علم و دانش عصمت و عفت مزین نما

ناموس خود را بدست اهریمنان شهوت پرست خود خواه در مخاطره ننگین به بین که انسان ظالم جفا کار خیانت پیشه نجسام کسب نموده ای الطبع ناموس نمی شناسد مخصوصاً وقتی را که عقیده به مکافات طبیعت نداشته افسار قانون هم دردهانش نباشد دقت کن و بندر را بجان دل پیشبر حشمت الله - زنگنه

واردات آری

خدمت مدیر محترم جزیده شریفه بدر دامت توفیقانه

در جزیده شریفه پانزدهم شماره پنجم صفحه دوم ستون اول شرحی در تحت عنوان (حق کشتی) مرقوم شده بود خوب بود مدیر محترم جزیده پانزدهم قبلا اطلاعات خودشان را در موضوع ملا عبدالرحمن قوام العلماء کامل فرموده تحقیقات لازم را بعمل می آوردند البته در نمرات آینده ان جزیده شریفه ایشان را بمقتضای روشن تری اشنا مینمایم (س - مسافر)

آقای محمد پرمائی سؤال نموده بودید که کثرت است و مسوولان دولت با انهمه سوابق تجدید خواهد شد یا خیر هنوز اطلاعی نداریم ولی البته در موقع تجدید کثرت بمجلس مقدس شورای ملی رجوع خواهد شد نمایندگان محترم ملت مقامات لازم را در عملیات گذشته مشار الیه بعمل خواهند آورد

س عطر جان فانی مشام روح را معطر کرده و بویدهای اطراف خود را بالکنت بخش روح دیده با منظر بی نظیر انسانی رفت خیز بربان حال می کشت از مرا برای تفریح روح این ساکنین از انوار آرزو ارض بوجود و ظهور آورد و در وقت شکر من هر کس بزیارت و سبب مینماید و مرا با کمال ذوق و شوق تهنیت وجد تماشا میکرد و از راجه جان روح افزای مشام را معطر مینمود و حسن و خفاصت مرا طبیعت عطا فرموده بود تنها بچلب افکار موفق گردیده بود که خلق من در جهنمات عاری از لذت و لذت از کرده بلبلان شیدا و عندهایان کسب کفایت جان را نثار مینمودند و شکوه حسن و جمال مدهوشانه نالها و ناله و فغانها بر میآوردند منم ایشان را بر این وقت پنهان گرفته از شراب خوشگوار و ناله و ناله و مدهوش مینماید

ناموس خود را بدست اهریمنان شهوت پرست خود خواه در مخاطره ننگین به بین که انسان ظالم جفا کار خیانت پیشه نجسام کسب نموده ای الطبع ناموس نمی شناسد مخصوصاً وقتی را که عقیده به مکافات طبیعت نداشته افسار قانون هم دردهانش نباشد دقت کن و بندر را بجان دل پیشبر حشمت الله - زنگنه

کلین بلوقایم جدا گردانید اه - است لرزانند و اضطراب آورنده بود جسم اطمن مرتضی و کلیم که مرا بگریز پرورده بود از جدائی من سینه زده بر خویش مینویسد بستان از نام سرای آردید کشتن در حجرتم توست عندلیبان دل باخته بسوز و فغان بنهایت این را رنج بجز ساختن لیکن آفوس همه در نظام نوع مرا وقتی نهاد و باندک مالمطمن و لذتی عملیات شرم آور خود را نازکش من نوع من تجدید مینماید رنج من نمی پرسید بچه تبصر و کدام دیدنش از اغوش مادر جدا ساخت ؟؟

صندوق پست

مراسله مشروحه با مضامین آقای دکتر سید محمد حسن نصیری دعوت از مقرر جات جریده شریقه اتحادیه موضوع انعقاد وعدم ایفاء وظایف پست‌های امدادی با داره رسیده و مزایا المیس از دگر دلایل خود مندرجات را تکلیف می‌کنند

آقای امضاء محفوظ از ما توضیح واضحات را خواسته بودید نمی‌دانم بیجه علت ایفاء خود را محفوظ داشته اید البته درویش مردم را و جنگلی‌ها را هم نباید از تکلیف بازداشت تا مردم را کمتر بشیند خرافات دعوت کرده ر اسامی ائمه هدی را برای جیب و بغل کردن مردم از اعتقاد بپردازند!

بلی بپدیه تنها نباید شعنائی که به ابریت فرشی اعلاش می‌کنند بداند این جاب کدر بلکه لازم است این قبیل اشخاص را هم تعقیب نمایند

آقای مبرزای حسین - چراغ‌های برق خیابان‌ها که اغلب خاموش و بعضی هم شکسته است برای سردی و بی‌نظمی جریان هواس بیچاره‌ها بواسطه فقدان حفظ الصحه هوایی مبتلا بنوبه‌غش میشوند و... حضرت عالی‌فرمه تخریبید پذیرش کنید نبرد از ایران و برف اگر می‌رسید در کوه‌ها بیفتید پای شما بشکند مگر است حرکت نکند و اگر مجبورید هنگام غروب در هر جا می‌رسید بیست و نه کبک در هر صورت فکر لازم نیست چه در اشدون فکر فرادا کنیم

وقتی... اشار شما واقعا روح پرور بود ولی خوبست رفع این سوء تقادم را از ما بفرمائید که جناب عالی از دیوان خصه نظامی این اشارت را بلا خدای آفرید سرفرت فرموده اید یا نظامی علیه ترجمه در چند قرن قبل از ولادت شما از دیوان شما اخذ نموده است!

آقای دلوز - فرموده بودید که مدتی است مواجب معلم‌ها کم می‌رسد و بیچاره‌ها گرسنگی می‌خورند واقعا خیلی طماع هستید کارگران و آگونی منون باشند که دست‌ها از آنها نمی‌گیرند و سواری بویه آنها مجانی است

آقای حاجی بک مرا سه جناب عالی رسید در نمره اخیر مطالب شما را درج خواهیم نمود

آقای م - ع لاجبه جناب عالی در تقریظ مقاله [کلهای مسموم] که از اثر آرشحات قلم آقای حشمت الله خان زنگنه بود رسید بیانات شما را تقدیس میکنم در موضوع خیابان خانه و عا کاخانه هائیکه اتیان غیر مسلمان تشکیل داده و بعضی از عنوان

ایستادگی‌های سوء میکنند

تلاطلاط نداریم البته تحقیقات لازمه را بعمل خواهیم آورد

۲ آقای م - ت اینکه نوشته بودید علت کتمان استیفای بگ و کپل چیست و آیا موکل میتواند از رد و کپل خود در محکمه استیضاح بخواهد خویست از مقامات مربوطه سؤال فرمائید!

۳ بما اطلاع میدهند که هرگنی تشکیل و بر طبق قوانین اسلام میخواهند بجای خدمت نمایند اگر چنانچه جمعیتی به این مقصد عملا اسلام را زنده کنند حقیقتا باید تقدیس کرد و عامه را زنده داد که فقط در نحت چنین مقصودی ایران میتوانند به مدارج عالی‌ترقی نائل گردند

اعلان

ارزان فروشی دواجات
بنازیکی دواجات سربسته و امول های فرانسه و کاند های عسکی و کپلادارس دوکندان امول سوزاگ وارد شده قیمت مناسب بفرش میسرید برای ولایت هم فرستاده میشود
فیض الله شام دوا فروش (فیض خیابان ناصریه)
نمره ۱۸

اخطار

روز دوشنبه دو ساعت و نیم بعد از ظهر جلسه دانشکده در اداره روز نامه ریان ایران واقع در خیابان ناصریه منعقد شد و به عموم اعضاء محترم دانشکده یادآوری میشود که جلسه آینه روزشنبه پنج‌ساعت بعد از ظهر در اداره مزبور منعقد میشود در وقت مین شریک یاورند
حسن (بدیع) عضو دانشکده

اعلان

نمائنده مختار دولت جمهوری - سوسیالیستی اتحادی شوروی روس در باغ مخیر الدوله [خارج دروازه دولت] اقامت واژدستان ایرانی که باعشار ایله کاری دارند روزهای چهار شنبه وشبه از ساعت ده الی یک بعد از ظهر پذیرائی مینماید

این‌ساع روسیه زحمت کشیده برای کار های پلنیکی در باغ [مخیر الدوله] به قایب اول و در کار های فونوسوگری و اداری در سفارت سابق (پارک انابک) بنایب دویم رجوع نمایند
نمائنده مختار از اتباع روس فقط روز های یک شنبه از ساعت ده الی دوازده به معرفی قایب اول پذیرائی خواهد کرد
نمره ۱۷

جدید الاسلام
این جانب عزیزانه پس بقوت کلمی جون بالان دیانت کلمی و حقایق دیانت و شریعه مقدسه اسلامی برهن واضح و محقق شده لذا در محضر اعلم العلماء والمجاهدین حجت الاسلام آیت الله آقای حاج شیخ عبدالنبی صوری مدظله از دیانت کلمی بری و بدین اسلام مشرف عموم برادران اسلامی ایجاب را بیاخود برادر بداند
عزیزانه جدید الاسلام

گشفت حقیقت

بافزار معصم السلطنه

معصم السلطنه اول راه فرار خود را تا مین نمود زیرا که بعد از نائل شدن به مقام وکالت بازاده خود و خصوصاً بیانی که از روح مالکیت مطلقه استنباط دید با کمال محمد تقی خان بیگلر بیگ طراعی نمود مقتضی دید نقشه طرح را به موکل خود ارائه او را هم از افساد و خیال خود آگاه نماید این باعث گردید که به عنوان دیدار موکلین خود مسافرت قزاقان و سیستان را پیش گرفت مسافرت کرد ملاقات نمود - قرار داد بست - مراجعت به مشهد نمود - عملیات مشهد را عامل بزرگ شد - کمال مقتول و معصم السلطنه مجبور بفرار گردید - (کجا رفت) من وما نمیگوئیم کجا رفت - مجلس گمت - وزراء گمتند - جراند نوشتند - به قزاقان و سیستان رفت - کوپا از حکومت انجا هم خواستند - فرستاد [نه] ما می‌دانستیم نخواهد فرستاد به دولت هم گفته شد نه فرستد - فرار کرده (پله) فرار کرده - بیخبران از نقشه خاک قزاقان و سیستان باور می‌کنند - مجلس باور می‌کنند - وزراء باور می‌کنند - ولی ما باور نمی‌کنیم زیرا که بدینم بدون جواز گئی حکومت انجا کسی نمیتواند از خاک آنها

فرار نماید - مگر به جواز در افسامیان مخصوص حکومتی - مامی گویند هم داریم هیچ محل و نقطه برای معصم السلطنه مامون نماند از صفحه قزاقان نخواهد بود - در انجا بی نهایت پذیرائی میشود مهمان دار خواهد داد مهمانش را ما می‌شناسیم دولت هم مینماید

مهمانش را به سیاست خارجی‌ها متکی است - علاوه بران در مرکز دارند در چند نقطه طرف دارهای شمال باقی‌نماید - در دوا اثر وظیفه خوداروم قدرت کپک اشاره من ریرند رئیس مالمه را می‌کنند - با قدرت مراندی واج بازرگانی جلب مرکز می‌شود سیاست اعمال و مجازاتش تبدیل به محضات - با خارجی‌ها روابط حسنه ایجاد می‌نماید بهر امری آفسامیان را ضمیمه می‌نماید - تجزیه قزاقان و سیستان را از خراسان اعلام می‌کنند گوشه ایالت مستقل می‌شود - مختصر پرودنی در سیاست حاصل می‌گردد مگر مضمویاً متصل احضار طهران و در قابل زمانی رفع پرودت نموده بدوستان خود می‌دهد بیمان جدیدی می‌بندد عود بر مرکز حکومتی از اختلاف انتقام می‌شد - حاج شیخ محمد حسن مجتهد بی‌یهودی را به مشهد فراد دهد باب شکایت آن بدینخت بیچاره را مسدود و فاجار به تسلیم می‌نماید از مدتی او را مظلومانه می‌کنند - برای کم کردن راه نسبت قتل او را می‌دهد - از نقطه نظر این که ریاست وزراء نسبت بان طایفه مهربان است و چندان اصرار مرتعقب نخواهد نمود خون مظلومی را به دیسه پامال می‌شود - برای اسکاوت مرکز ان امر قلبی که در شب در میان رخنه‌خواب واقع زن را مظلومانه مقتول کرده اند رجوع بشرع می‌شود در این صورت شاهد خدا حکم و حکم آن روز جزا خواهد افتاد

آیا معصم السلطنه باقتنایان رفته - آیا به هندوستان رفته - آیا به کرمان کدام مطلع و بصیر تصدیق دارد - (آه) (آه) استبداد کجا رفت - که قاتل را می‌خواهم - مقرر مملکت را باید تسلیم گئی - تا روح و آغضا انرا را منزلت نماید - طهران شبه می‌شود به ما شبه نمی‌شود که از بکله تومان منافع موقوفات به قدر دو سه هزار تومان صرف مدرسه کردند و شخص نامش مدرسه را قلمداد نمودن قاب ماهیت نمیشود - عادت طالبان غیر پذیر نیست - عوام فریبی تا می‌خورد باطل نموند - واضح تعرض کنم (امان ازوشوم) فراد از بار تیون فغان از حق پوشان گفد قبل منافی حق را یا مال حق ورا ذلیل و حق خواه را معصوم مینماید عدالت چه قدر اموال بیچارگان باسم توینما شده چه عدم مردمان در راه کشته - چه جنایات در استقبال حکم توینما آورد آمده - بهر چه از توانا خطر و منافی غیر از ضرر نبردیم - هر چه هواخواهان تو زیاد تر میشود و تبار بی چارگان ده‌آمین سکسین از می‌کردند - هر چه بر یا منافع می‌نامند را تقویت نمایند - اف بر این تمدن - توف بر این آندین تا چه درجه فریب نچاند راستی از میان رفته امانت کلمه موهوم شده من محفوظ گردیده طبقات صالحه از کلامه عدل بریده اند یا این رفتار ارامش خواهد گردید و با این کردار عدل استوار نخواهد گشت - من حرب حلب به اندامه عبارات و نظائری موزون مملکت را مامون نینماید رعایا اکثریت است لازم است که بریده کان از کلامه عدالت بار آینده خود را در ان حاسر نماید و الا بقول عوام علی مینماید و حوض کوثر

نمره اصلاح

اعلان
خدمت مدیر محترم جریده شریقه بدر دامت توفیقانه
در ضمن یک ملاقات آقای معتمد الدوله نمایندنده محترم کرامت‌اف حق بدعای سلب نموده بودند چون از مواد قانون موضوعه کتونی بی اطلاع بودم ناچار عذر میخواهم لیکن از انجائی که انسان زنده حرف می‌زند خصوصاً بدینگونه قدری برچانه هستم بوسیله ان نامه گرامز نماینده محترم استعلام ایبا بدعای حق می‌دهم مختصر توضیحاتی از جناب عالی بخواهم یا...
ش - ز
نمره اعلان ۱۸